

DOI: 10.30495/jss.2022.1953026.1434

Research Paper

A meta-combination of qualitative studies in the field of happiness of women in Iran

Mohsen Niazi

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran.

Atiye Rezayi

Ph. D. Student in Social Affairs of Iran, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran

(Corresponding author). E- mail: atiyerezayi.69@grad.kashanu.ac.ir

Ali Farhadian

Assistant Professor of Management, University of Kashan, Kashan, Iran.

Happy women, wives and mothers strengthen the family unit at the micro level and inject happiness into society at the macro level; Because a happy person is an innovative, efficient, productive, creative and constructive person. Therefore, recognizing happiness is an undeniable and indisputable necessity in today's world. The purpose of this study is to identify the factors affecting women's happiness and design a model of factors affecting women's happiness. The research community is the articles of authoritative scientific-research journals related to the subject, which have been published during the years 1300-1400. The research sample was 13 standard research articles which were selected and reviewed from 92 articles after ranking them. The research method was qualitative and meta-combined. After extracting the factors affecting women's happiness, the results showed that, in the mentioned articles 61 concepts were identified and approved by experts in the field of women and family. Finally, the concepts were classified into 5 main categories of individual, society, family, social capital and lifestyle and their sub-categories and were explained as factors affecting women's happiness and presented in the form of a model. The findings indicated that, the presented analytical model for the factors affecting women's happiness was compatible with Maslow's pyramid of needs hierarchy.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Happiness, Freshness, Joy, Women and Family, Women Studies.*

فرا ترکیب مطالعات کیفی در حوزه شادکامی زنان در ایران

محسن نیازی^۱

عطیه رضایی^۲

علی فرهادیان^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

چکیده

زنان، همسران و مادران شاد، موجب مستحکم شدن کانون خانواده در سطح خرد و تزریق شادکامی به جامعه در سطح کلان می‌شوند؛ زیرا انسان شاد، انسانی مبتکر، کارآ، مولد، خلاق و سازنده است. از این رو شناخت شادکامی، ضرورتی انکارناپذیر و مسلم در جهان امروز است. هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر شادکامی زنان و طرح‌ریزی مدلی پیرامون عوامل مؤثر بر شادکامی زنان است. جامعه پژوهش، مقالات نشریات معتبر علمی- پژوهشی مرتبط با موضوع است، که طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ منتشر شده‌اند. نمونه پژوهش، ۱۳ مقاله پژوهشی استاندارد بود که بعد از رتبه‌بندی مقالات از بین ۹۲ مقاله، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. روش پژوهش، کیفی و از نوع فرا ترکیب بود. پس از استخراج عوامل مؤثر بر شادکامی زنان، نتایج نشان داد که در مقالات مذکور، ۶۱ مفهوم شناسایی و پس از تایید متخصصان حوزه زنان و خانواده، مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت مفاهیم در ۵ مقوله اصلی فرد، جامعه، خانواده، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی و مقولات فرعی آن‌ها طبقه‌بندی شدند و به مثابه عوامل مؤثر بر شادکامی زنان تبیین و در قالب یک مدل ارائه شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که مدل تحلیلی ارائه شده برای عوامل مؤثر بر شادکامی زنان، با هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو تطبیق داشت. واژگان کلیدی: شادکامی، شادابی، شادی، زنان و خانواده، مطالعات زنان.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان- ایران.

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان- ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: atiyerezayi.69@grad.kashanu.ac.ir

۳. استادیار مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان- ایران.

مقدمه و بیان مسئله

شادکامی یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان‌ها به شمار می‌رود و به دلیل تاثیرات عمده آن در بهسازی و سالم‌سازی جامعه، مدت مدیدی است که ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است؛ به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی درصدد ایجاد یک جامعه سالم و شاد هستند.

شادکامی، هدف مشترک همه انسان‌ها است. آن چنان که همه تلاش‌های انسان در زندگی برای رسیدن به این هدف صورت می‌گیرد (۱۰). جستجو در پی شادکامی تنها مربوط به زمان حاضر نیست، بلکه فیلسوفان یونانی، رومی و حتی ارسطو به دلایل شادکامی اهمیت داده‌اند. البته دلایل شادکامی را نمی‌توان به عنوان دلایلی جهانشمول تلقی کرد؛ چرا که هر فرهنگ در زمان خویش دلایل متفاوتی برای شادکامی دارد (۲۹). اگرچه دریافت و ادراک عوامل شادکامی از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت است (۴۴)، اما با ظهور مدرنیته و با افزایش منابع استرس‌زا و تعدد نقش افراد، جستجو برای شادکامی در همه جوامع و فرهنگ‌ها سرعت زیادی یافته است؛ زیرا به نظر می‌رسد احساس شادکامی از یک سو انسان‌ها را برای یک زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده، و از سوی دیگر، به دلیل مسری بودن آن، بستگی‌های انسان را با محیط گسترده می‌کند. به جرأت می‌توان ادعا نمود که تمامی کوشش انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به شادکامی در آینده است، بدین مناسبت شادکامی متغیر مهمی برای نیل به پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود. چنین توسعه‌ای زمانی به طور پایدار تحقق خواهد یافت که جامعه از نیروهای مولد خود (زن و مرد) استفاده کند. از سال ۲۰۰۰ به بعد، در نگاه سازمان ملل، برای تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها متغیرهای شادی، امید به آینده، خشنودی و رضایت‌مندی افراد نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده‌اند. به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس شادی، خشنودی و رضایت‌مندی نکنند، نمی‌توان آن را جامعه توسعه یافته قلمداد کرد که این نشانه اهمیت شادی است (۳۱: ۳). در واقع، رضایت و شادی مردم نشان می‌دهد که آن کشور توانسته است رفاه و آرامش موردنیاز را برای اعضای خود فراهم کند (۵: ۸). هم‌چنین ارزیابی آمارهای جهانی درباره وضعیت شادی در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از مردم جهان در سطح «بالا» و ۵۰ درصد «تا حدودی» شاد هستند؛ ۳۰ درصد احساس شادی «پایین» دارند و ۶ درصد نیز اصلاً شاد نیستند (۱۹).

در مقیاس جهانی، مؤسسه نظرسنجی گالوپ^۱ تاکنون ۹ موج پیمایش جهانی در سنجش وضعیت شادی انجام داده است که داده‌هایی را درباره وضعیت شادکامی مردم ایران را نیز در بر می‌گیرد. در این بررسی‌ها، شادکامی معادل «ارزیابی ذهنی فرد از وضعیت زندگی خود» تعریف شده است. به بیان دیگر، اینکه پاسخگویان در زندگی‌شان تا چه حد احساسات مثبت (خنده و تجربه‌های لذت‌بخش) و احساسات

^۱. Gallop

منفی (خشم، نگرانی، غمگینی) را تجربه می‌کنند. نمره شادی افراد، میانگین نمره‌های آن‌ها در وضعیت‌های یادشده است. حجم نمونه در سال‌های مختلف بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در هر کشور متغیر است؛ و به دلیل شیوع ویروس کرونا، نظرسنجی ۲۰۲۱ به شیوه تلفنی انجام شده است که ممکن است نتایج آن نسبت به موج‌های پیشین تحت‌الشعاع قرار گیرند؛ چندان که خود مؤسسه نیز در گزارش ۲۰۲۱ به آن اشاره و جایگاه کشورهای مختلف را نسبت به سال پیش از آن که مصاحبه‌ها حضوری بودند، مقایسه کرده است تا خواننده را به رعایت احتیاط در تفسیر نتایج دعوت کند.

جدول شماره (۱): رتبه و میانگین نمره شادی ایران در پیمایش‌های جهانی (۲۰۲۱-۲۰۱۲)

سال متغیر	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
تعداد کشورها	۱۰۵	۱۵۶	۱۵۸	۱۵۷	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۹
رتبه ایران	۸۱	۱۱۵	۱۱۰	۱۰۵	۱۰۸	۱۰۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۸
میانگین نمره شادی (دامنه صفر تا ده)	۵/۳	۴/۶۴	۴/۶۸	۴/۸۱	۴/۶۹	۴/۷۱	۴/۵۵	۴/۶۷	۴/۷۲

بر اساس آمار ارائه شده در جدول بالا، میانگین شادی ایرانیان کمتر از حد متوسط بوده و به لحاظ جایگاه در مقایسه با سایر کشورها در رده‌های آخر قرار دارد. بنابراین با توجه به این که شادکامی، فعالیت‌های مفید انسان را بر می‌انگیزد، روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، مشارکت سیاسی- اجتماعی را رونق می‌بخشد، موجبات حفظ سلامت عاطفی، روانی، جسمی و امیدواری را فراهم می‌کند، این چنین به نظر می‌رسد بررسی آن در جامعه‌ای که در آن زنان از بسیاری از فرصت‌های اجتماعی محروم می‌باشند، ضروری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (۸).

بر اساس گزارش مدیر کل بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در آخرین گزارش سال ۲۰۱۷، مجمع جهانی اقتصاد در خصوص شکاف جنسیتی به عنوان شاخصی از نابرابری؛ رتبه ایران در میان ۱۴۴ کشور در شاخص اقتصاد برابر با ۱۴۰، در زمینه آموزش ۱۰۰، در سلامت و بقا ۱۳۵ و در مشارکت سیاسی زنان ۱۳۶ بوده است که همگی نشانگر نامناسب بودن وضعیت زنان ایران در این موضوع مهم است (۴۷).

در طول تاریخ ایران، زنان همواره به عنوان نیمی از جامعه انسانی با بهره‌گیری از جایگاه اجتماعی- اقتصادی متفاوت، ایفاگر نقش‌های متنوع بوده‌اند و هم‌چون مردان، در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، مشارکت فعالی داشته‌اند. زنان به علت جایگاه ویژه خود در خانواده، با گفتار، منش و رفتار خود نقشی موثر در تربیت فرزندان دارند. زنان، همسران و مادران شاد، موجب مستحکم شدن کانون خانواده در سطح خرد و تزریق شادکامی به جامعه در سطح کلان می‌شوند؛ زیرا انسان شاد، انسانی مبتکر، کارآ،

مولد، خلاق و سازنده است. از این رو شناخت شادکامی به گونه‌ای علمی، آکادمیک و عمیق، به دلیل تاثیرات فراوان آن در زندگی بشر، ضرورتی انکارناپذیر و مسلم در جهان امروز است و زمینه‌های مطالعاتی و پژوهشی فراوانی را می‌طلبد. بر این اساس، در پژوهش حاضر در پی شناسایی عوامل موثر بر شادکامی زنان و طبقه‌بندی آن‌ها و البته طرح‌ریزی مدلی جامع پیرامون عوامل موثر بر شادکامی زنان هستیم.

مفهوم شادکامی

از آن جا که شادی یکی از هیجانات اساسی بشر است، هر کس به فراخور خود آن را تجربه می‌کند. اما، تعریف شادی به سادگی تجربه آن نیست. واژه شادکامی بیانگر ارزیابی کمال مطلوب از زندگی نیست، بلکه بیانگر یک درجه یا میزان است؛ همانند طول و وزن بیشتر یا کمتر بودن چیزی. به عبارت دیگر، واژه شادی میزان خوشایندی زندگی را می‌رساند. شادمانی صرفاً برای توصیف حالت یک فرد به کار می‌رود و قابل تعمیم به اجتماعات، اشیاء و وقایع نیست. می‌توان گفت شادکامی برای اشاره به جنبه خاصی از زندگی به کار نمی‌رود، بلکه کل زندگی فرد را مدنظر دارد.

افلاطون در کتاب جمهوری به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: قوه عقل یا استدلال (Reason)، احساسات (Emotion) و امیال (Appetites). افلاطون شادی را حالتی از انسان می‌داند که بین این سه عنصر تعادل و هماهنگی وجود داشته باشد. ارسطو شادی را زندگی معنوی می‌داند (۱۵: ۱۰). جان لاک و جرمی بنتام بر آنند که شادی مبتنی بر تعداد وقایع لذت‌بخش است. آرگیل و همکاران (۱۹۹۵)، شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، فقدان عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند (۳۰). به نظر وینهوون (۱۹۸۸)، شادکامی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت زندگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد چقدر از زندگی خود لذت می‌برد. آیزنک شادکامی را «مجموع لذت‌ها، منهای دردها و ترکیبی از حداکثر عاطفه مثبت به اضافه حداقل عاطفه منفی» معرفی می‌کند (۱۵: ۲۳). به نظر او، افرادی که در معیارهای شادمانی نمره بالا می‌آورند، عموماً افرادی شاد، خوشبین و سالم و از این که وجود دارند، راضی هستند، زندگی را با ارزش می‌دانند و با جهان در صلح و تفاهم هستند. افراد شاد احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بیشتری دارند و نسبت به کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، بیشتر احساس رضایت می‌کنند (۲۶). طبق نظر آرگیل (۲۰۰۳)، شادکامی، از سه بخش اساسی عاطفی، شناختی و هیجانی تشکیل شده است (۶). به نظر آن‌ها شادکامی، متضاد با افسردگی نیست، اما شرط عدم افسردگی برای شادکامی لازم است. در نظریه‌های موسوم به هدف‌نهایی، اعتقاد بر این است که شادکامی موقعی به دست می‌آید که افراد، به اهداف مبتنی بر ارزش‌ها و نیازهای خود جامعه‌ی عمل پیوشانند. افرادی که اهداف‌شان را مهم‌تر و احتمال موفقیت و رسیدن به آن‌ها را بیشتر در نظر می‌گیرند، احساس شادکامی و خوشبختی بیشتری خواهند کرد، در حالی که افراد دارای شادکامی اندک، غرض‌ورزی بیشتری در هدف-

های‌شان احساس می‌کنند (۱۴). به نظر می‌رسد که حرکت کارآمد افراد به سمت هدف‌های خود، علت تغییرهای مثبت در شادکامی و خوشبختی آن‌هاست و به طور کلی تلاش برای هدف‌های درونی باعث ارتقای خوشبختی و شادکامی می‌شود (۳۷). مرور اولیه بر آثار نوشتاری حدود چهار دهه گذشته، فرد شادکام و خوشبخت را این گونه تعریف می‌کند: «فرد سالم، با تحصیلات بالا، درآمد مناسب، برون‌گرا، خوشبین، بدون نگرانی، مذهبی، فرد متأهل با عزت نفس بالا، روحیه کاری و انتظارات معتدل از هر یک از دو جنس و هوش بالا» (۱۹).

روش تحقیق

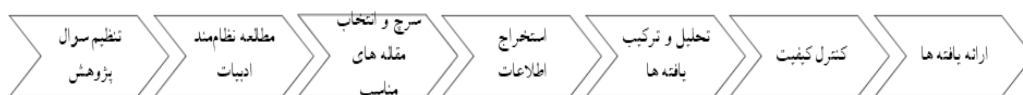
پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، کیفی است که با روش پژوهش کتابخانه‌ای از نوع مطالعات ثانویه و فراترکیب صورت گرفته است. تکنیک فراترکیب، از اشتقاق روش نظام‌مند ایجاد شده است. تکنیک مذکور، به دنبال ترکیب نتایج به دست آمده از مطالعات متفاوت اما مرتبط با یکدیگر است. این تکنیک توصیفی بوده و در برابر روش فراتحلیل شکل گرفته است (۴۵: ۲۰۴). در علوم اجتماعی، فراترکیب توصیف کننده خوبی در فرآیند مطالعه کیفی به شمار آمده و واژه مذکور به منظور تمایزبخشی با روش فراتحلیل به کار گرفته شده است و قادر به ترکیب یافته‌های کیفی و کمی در مطالعات است. روش فراترکیب به عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن تلفیق جامعی از مدل‌های ارائه شده در این حوزه، بر پایه تفسیر و ترجمه آن‌ها می‌باشد. بنابراین فراترکیب تصویر بزرگ‌تری را از پدیده مورد مطالعه ارائه می‌دهد و تعمیم‌پذیری بیشتری را در مطالعات مبتنی بر مدرک فراهم می‌سازد (۱: ۶).

روش فراترکیب، روش تقریباً جدیدی در حوزه تحقیقات کیفی و فرآیند جستجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر تحقیقات در یک موضوع خاص است و حتی می‌تواند به عنوان یک روش تحقیق اکتشافی و مقدماتی برای شروع تحقیق به کار رود. حتی زیمر معتقد است که خود، نوعی مطالعه کیفی است که داده‌های آن از یافته‌ها و نتایج سایر مطالعات کیفی تشکیل شده است (۴۸). بررسی نظام‌مند و دریافت و فهم نتایج تحقیقات پیشین فراتر از بررسی پیشینه تحقیقات است که در مقالات دیده می‌شود. عموماً تحقیقات کیفی، نتایجی توسعه‌ای و نظری دارند که می‌توان با استفاده از تحلیل مجموعه‌ای از آن‌ها به نتایجی کاربردی رسید.

در مقایسه با فراتحلیل، فراترکیب یافته‌های کیفی را از طریق ارزیابی مطالعات و ایجاد یک کل جامع و تفسیری مورد استفاده قرار می‌دهد. هدف این روش، توسعه تئوری تبیینی و ارائه مدلی از یافته‌های تعدادی از مطالعات است (۳۴). اما فراتحلیل، ترکیب نتایج پژوهش‌های کمی و آماری از بدنه دانش بوده و بسیار فراگیر و شناخته شده‌تر است تا با هدف افزایش قطعیت و اطمینان در نتایج علت و معلولی به بررسی موضوع بپردازد. آن چه فراترکیب را خاص و متمایز می‌سازد، رویکرد هرمنوتیکی در درک و

تشریح پدیده‌های اجتماعی است. محققان فراترکیب مانند زیمر سه هدف عمده توسعه نظریه، شرح نظریه، و ساخت نظریه را برای این روش بیان داشته‌اند (۴۸).

در پژوهش پیش‌رو، به منظور تلفیق یافته‌های موجود عوامل موثر بر شادکامی زنان، تکنیک فراترکیب به عنوان تکنیکی به روز و کارآمد به کار گرفته شده است. با توجه به هدف پژوهش، به بررسی عوامل موثر بر شادکامی زنان پرداخته شد. واحد تحلیل تحقیق حاضر، تحقیقات علمی- پژوهشی چاپ شده در ژورنال‌های مختلف است. در فراترکیب حاضر، پژوهشگر به بررسی و مطالعه سیستماتیک پژوهش‌های قبلی پرداخته است و برای روشن ساختن الگو، از مفاهیم و مقولات آشکار و پنهان مقالات مورد بررسی استفاده کرده است. در ادامه، کار با تحلیل نتایج و یافته‌ها توسط محقق تمام می‌شود و خروجی آن، راهی برای یافتن خلاءهای تحقیقاتی، نوآوری در متدولوژی و روش تحقیق، برای حوزه مورد نظر است. در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای بارسو و ساندوسکی (۲۰۰۷)، برای تجزیه و تحلیل پژوهش‌های منتخب، استفاده شده است.



نمودار شماره (۱): مراحل هفت‌گانه فراترکیب

منبع: (۴۰)

برای این روش هفت مرحله وجود دارد:

- مرحله اول: تنظیم سوال پژوهش

در مرحله اول تمرکز بر "چه چیزی" است. این تحقیق به تبیین و دسته‌بندی مولفه‌های عوامل موثر بر شادکامی زنان می‌پردازد. در این مرحله باید به سوال‌های ذیل پاسخ داده شود:

(۱) چه کسی: ناظر به تبیین جامعه مدنظر است. در این پژوهش مجلات مختلف علمی- پژوهشی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ در پایگاه‌ها و سایت‌های مختلف مدنظر قرار گرفته شده است.

(۲) محدوده زمانی مدنظر: تحقیقات انجام شده در این پژوهش در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ است. (۳) روش تحقیق: فراترکیب است.

- مرحله دوم: مطالعه نظام‌مند ادبیات

با در نظر گرفتن کلیدواژه‌های شادکامی زنان، شادابی زنان، نشاط زنان و شادی زنان، در مقالات و پژوهش‌های مختلف برای دهه اخیر، تعداد ۹۲ مقاله استخراج شد.

- مرحله سوم: سرچ و انتخاب مقاله‌های مناسب

ملاک‌های انتخاب مقالات طبق جدول ذیل شناسایی شدند:

- محل چاپ مقاله: کلیه مجلات چاپ شده در نشریات علمی-پژوهشی.

- موضوع مدنظر: فراترکیب مطالعات کیفی در حوزه شادکامی زنان در ایران

جدول شماره (۲): نتایج گزینش مقالات نهایی

۹۲	تعداد کل مقالات و منابع اولیه
۱۳	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس عنوان تحقیق
۲۰	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس چکیده تحقیق
۳۸	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس محتوای کلی تحقیق
۸	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس کیفیت تحقیق
۱۳	تعداد مقالات پذیرفته شده نهایی

- حیطه کلی تحقیق: شادکامی زنان
 - محدوده زمانی تحقیق: سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰
 - زبان‌های استفاده شده: فارسی
 بر مبنای برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی^۱ به بررسی کیفیت مقالات بر اساس ده معیار ذیل پرداخته شد (هر معیار حداکثر ۵ امتیاز):

هدف پژوهش، اصول و روش‌ها، ساختار پژوهش، نمونه، مرتب‌سازی داده‌ها، انعکاس‌پذیری، مبنای اخلاق حرفه‌ای، دقت تحقیق، تبیین روشن نتایج و نتیجه‌گیری کلی تحقیق.
 نتایج نهایی ۱۳ مقاله نهایی در جدول (۳) می‌باشد.

- مرحله چهارم: استخراج اطلاعات

در مرحله تبیین و استخراج نتایج، اطلاعات پژوهش‌ها دسته‌بندی می‌شوند. به صورتی که عوامل اثرگذار بر شادکامی زنان که در هر مقاله به آن‌ها اشاره شده است، تشریح می‌گردد و منابع مربوط به آن عوامل نام برده می‌شود. در جدول (۳) نتایج حاصل شده، تشریح گردیده است که برای خبرگان بیان و نهایی شده است.

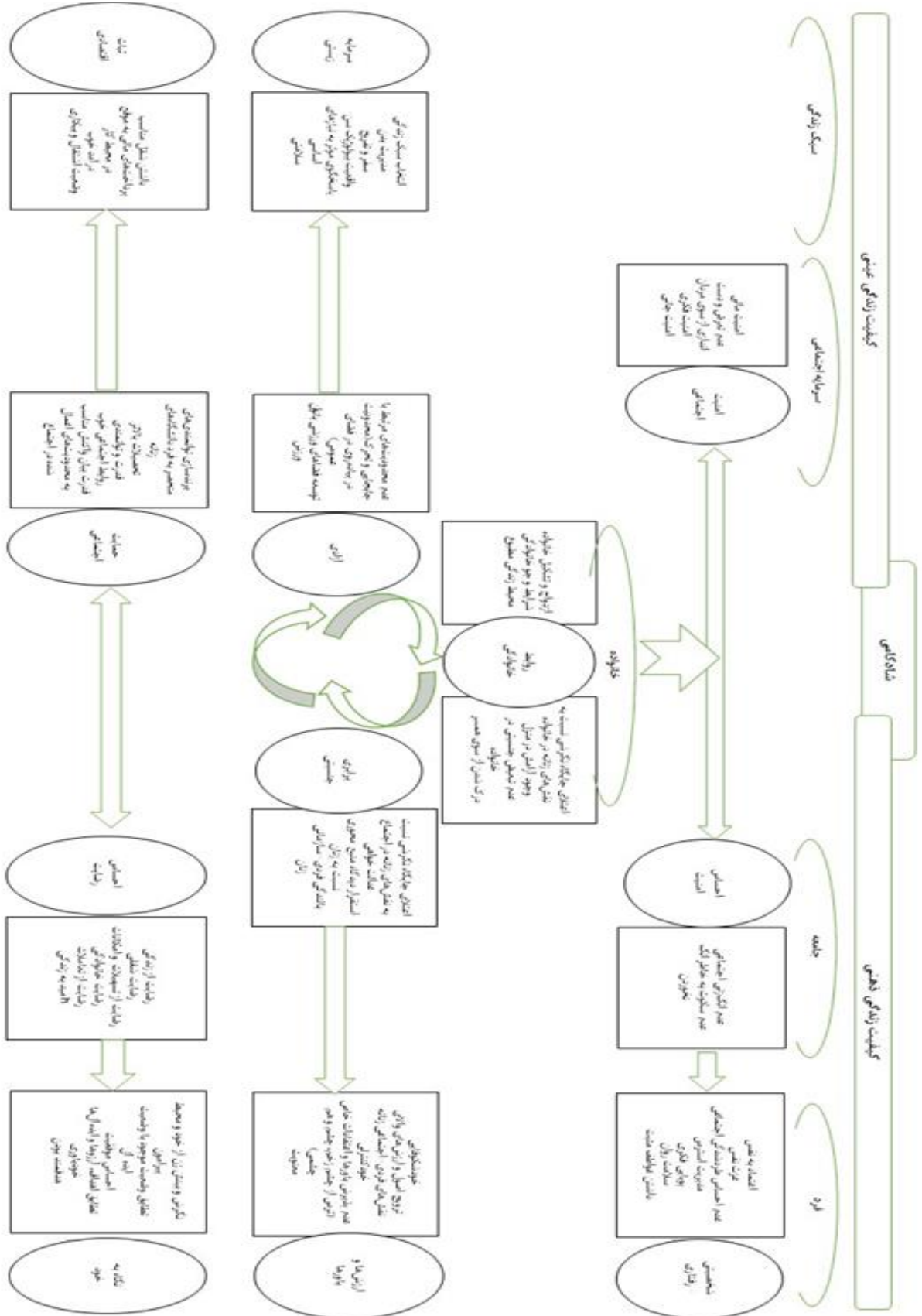
جدول شماره (۳): مقوله بندی عوامل موثر بر شادکامی زنان استخراج شده

شادکامی		مقوله فرعی	بعد
مأخذ	کد		
دانشوری نسب (۱۴۰۰)، فلاحیان و همکاران، (۱۳۹۹)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، ثناگو و همکاران (۱۳۹۰)، اعظم آزاده و همکاران (۱۳۹۴)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، ثناگو و همکاران (۱۳۹۰).	عزت نفس، اعتماد به نفس، پویایی فکری، سلامت روان، عدم احساس طردشدگی اجتماعی، مدیریت استرس، داشتن عواطف مثبت، خودشکوفایی، خودکنترلی	روانی_ رفتاری	
جووری و همکاران (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، اعظم آزاده و همکاران (۱۳۹۴)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، آخوند فیض و همکاران (۱۳۹۵)، دانشوری نسب (۱۴۰۰).	استقرار دیدگاه منبع محوری نسبت به زنان، بالندگی فردی- سازمانی زنان، عدالت‌خواهی، اعتدالی جایگاه نگرشی نسبت به نقش‌های زنانه در اجتماع	برابری جنسیتی	

^۱. Critical Appraisal Skills Program (CASP)

کیفیت زندگی ذهنی	نگرش و بینش زن از خود و محیط پیرامون، خودباوری، هدفمند بودن، احساس موفقیت، تطابق اهداف، آرزوها و ایده‌آل‌ها، تطابق وضعیت موجود با وضعیت ایده‌آل	نگرش به خود	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، ثناگو و همکاران (۱۳۹۰)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
احساس امنیت	عدم انگ‌زنی اجتماعی، عدم سکوت به خاطر انگ نخوردن		دانشوری نسب (۱۴۰۰).
احساس رضایت	رضایت از زندگی، رضایت شغلی، رضایت از تسهیلات و امکانات، رضایت خانوادگی، رضایت از تعاملات، امید به زندگی		هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
ارزش‌ها و باورها	عدم پذیرش باورها و اعتقادات خاص (ترس از چشم زخم، چشم و هم‌چشمی)، ترویج اصول و ارزش‌های والای نقش‌های فردی-اجتماعی زنانه، معنویت		دانشوری نسب (۱۴۰۰)، جووری و همکاران (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، نجفی و همکاران (۱۳۹۱)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
روابط خانوادگی (صمیمیت)	عدم تبعیض جنسیتی در خانواده، اعتلائی جایگاه نگرشی نسبت به نقش‌های زنانه در خانواده، درک شدن از سوی همسر، وجود آرامش در منزل، محیط زندگی مطبوع، شرایط و جو خانوادگی، ازدواج و تشکیل خانواده		دانشوری نسب (۱۴۰۰)، جووری و همکاران (۱۳۹۹)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
حذف محدودیت‌های اجتماعی (آزادی)	عدم وجود محدودیت‌های پوشش و آرایش، عدم محدودیت انجام بعضی فعالیت‌ها برای زنان (محدودیت در دوچرخه سواری در فضای باز شهری)، عدم محدودیت‌های مرتبط با جابجایی و تحرک (محدودیت در پیاده-روی در فضای عمومی)، توسعه فضاهای ورزشی بانوان		دانشوری نسب (۱۴۰۰)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹).
کیفیت زندگی عینی	قدرت بیان و اکش مناسب به محدودیت‌های اعمال شده در اجتماع، برندسازی توان‌مندی-های منحصر به فرد دانشگاه‌های زنانه، قدرت و توان‌مندی، تحصیلات بالاتر، روابط اجتماعی خوب		دانشوری نسب (۱۴۰۰)، جووری و همکاران (۱۳۹۹)، نجفی و همکاران (۱۳۹۱)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹).
امنیت اجتماعی	عدم تعرض و دست‌اندازی از سوی مردان، امنیت فکری، امنیت مالی، امنیت جانی		دانشوری نسب (۱۴۰۰)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
سرمایه زیستی	انتخاب سبک زندگی، ورزش، مدیریت بدن، واقعیت بیولوژیک سن، سلامتی، سفر و تفریح		دانشوری نسب (۱۴۰۰)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، رستگار و همکاران (۱۳۹۵)، آخوند فیض و همکاران (۱۳۹۵).
ثبات اقتصادی	پرداخت‌های مالی به موقع در محیط کار، داشتن شغل مناسب، درآمد خوب، وضعیت اشتغال و بیکاری		عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).

نمودار شماره (۲): ترکیب مفاهیم استخراج شده از مقالات



در پژوهش‌های کیفی، عمدتاً به جای مفاهیم پایایی و روایی، از مفهوم «قابلیت اعتماد» استفاده می‌شود. یکی از روش‌های بررسی قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی، سه سویگی محقق است. در این راستا برای کنترل مفاهیم استخراجی، از مقایسه کدگذاری‌های دو پژوهشگر استفاده می‌شود. جهت ارزیابی میزان توافق بین این دو کدگذار و در نتیجه پایایی درونی مصاحبه از ضریب درون موضوعی کاپا استفاده شد. بدین وسیله می‌توان میزان توافق دو اندازه‌گیری (توسط دو نفر یا دو ابزار یا در دو مقطع زمانی) را ارزیابی نمود. مقدار شاخص کاپا که به کاپای کوهن معروف است، بین صفر تا یک نوسان دارد. هر چه مقدار این سنج به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان می‌دهد که توافق بیشتری بین رتبه دهندگان وجود دارد. اما زمانی که مقدار کاپا به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، در آن صورت، شاهد توافق کمتر بین دو رتبه‌دهنده هستیم (۱۸).

برای محاسبه این ضریب شخص دیگری از متخصصان علوم اجتماعی بدون اطلاع از چگونگی ترکیب کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر، به دسته‌بندی آن‌ها در مقولات اقدام کرده است؛ سپس مقولات ارائه شده توسط پژوهشگر با مقولات ارائه شده توسط این متخصص مقایسه شده است. سرانجام با توجه به تعداد مقولات اصلی مشابه و مفاهیم متفاوت، مقدار کاپا^۱ محاسبه شده است. پژوهشگر ۱۲ مقوله اصلی و خبره دیگر ۱۱ مقوله اصلی ایجاد کرده‌اند که از این تعداد ۱۰ مقوله مشترک است. همان‌طور که در ادامه نشان داده شده است، مقدار شاخص کاپا برابر ۰/۹۳ محاسبه شد که با توجه به وضعیت ضریب کاپا، در سطح توافق عالی برآورد می‌شود. در رابطه با اعتبار هم از اعتبار محتوایی و صوری استفاده شده است و مطابقت مدل‌های استخراج شده با نظریاتی از جمله مازلو^۲ بیانگر این مهم می‌باشد.

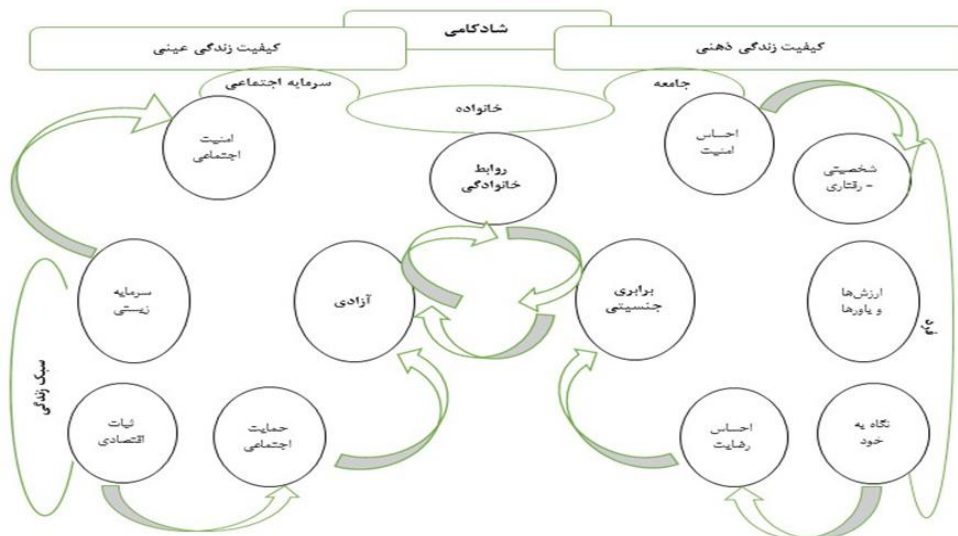
جدول شماره (۴): وضعیت شاخص کاپا

وضعیت توافق	مقدار شاخص کاپا
ضعیف	کمتر از ۰
بی اهمیت	۰-۰/۲
متوسط	۰/۲۱ - ۰/۴
مناسب	۰/۴۱ - ۰/۶
معتبر	۰/۶۱ - ۰/۸
عالی	۰/۸۱ - ۱

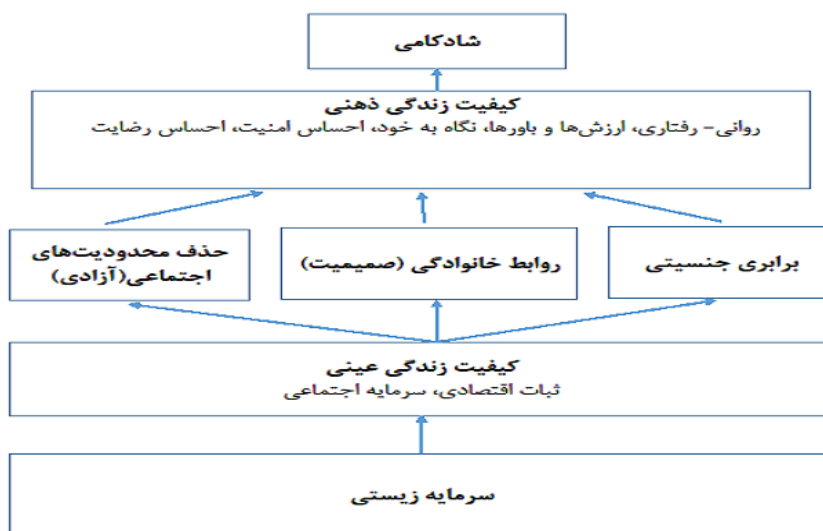
^۱. Kappa

^۲. Maslow

- مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها
 در مرحله هفتم فراترکیب، نتایج به دست آمده از مراحل قبل ارائه می‌گردد که خلاصه‌ای از گروه-بندی‌ها و کدها در نمودار (۲) ارائه شده است.



نمودار شماره (۳): مدل توصیفی عوامل موثر بر شادکامی زنان



نمودار شماره (۴): مدل تحلیلی عوامل موثر بر شادکامی زن

همان طور که نتایج دو مدل نهایی نشان می‌دهد، سه مقوله اصلی روابط خانوادگی، برابری جنسیتی و آزادی، مثلث محوری در شادکامی زنان هستند؛ روابط خانوادگی به عنوان اولین نهاد برای رشد و بالندگی زنان است؛ محیطی است که زنان از طریق آن ارتباط با خود و جامعه را تعریف می‌نمایند. در مفهوم محوری دیگر، برابری جنسیتی و آزادی، اصل و اساس فعالیت زنان است؛ زیرا کیفیت زندگی آن‌ها را در دو بعد ذهنی و عینی مشخص می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

بشر در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود همواره در جستجوی پاسخ به این سوال بوده است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند، چه چیزی بیشتر اسباب آسایش و رضایت خاطرش را فراهم می‌سازد و با چه ساز و کارهایی می‌تواند لذت بیشتری از زندگی در این دنیا کسب نماید. شادکامی به عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت، نقش تعیین کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادکامی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است.

تا کنون مطالعات بسیاری در رابطه با عوامل موثر بر شادکامی زنان صورت گرفته است. در بین انبوه مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، شاید انجام مطالعه‌ای جدید چندان ضرورت ننماید و بر ابهام بیشتر این رابطه بیافزاید. چرا که در مطالعات مختلفی عوامل زیادی به عنوان عوامل موثر بر شادکامی زنان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین لازم بود مطالعه‌ای با هدف نتیجه‌گیری کلی از تحلیل‌های صورت گرفته انجام شود تا اولاً عوامل موثر بر شادکامی زنان، با توجه به تحقیقات صورت گرفته، مشخص شود و ثانیاً مدل تاثیرگذاری آن عوامل بر شادکامی زنان ترسیم شود. این دو مسئله‌ای بود که ما را بر آن داشت تا به انجام این مطالعه بپردازیم. البته آن چه این مطالعه را نسبت به مطالعات دیگر متمایز می‌کند تفکیک شادکامی در دو بعد کیفیت زندگی ذهنی و کیفیت زندگی عینی است. تفکیکی که پیش از این در مطالعه‌ای یافت نشد تا ضرورت انجام این مطالعه را بیش از پیش نمایان سازد. همان طور که پیش از این ذکر آن رفت، این مقاله در پی آن است که عوامل موثر بر شادکامی زنان را شناسایی کند. با عنایت به ارزیابی و طبقه‌بندی پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون عوامل شادکامی زنان، در پژوهش حاضر، ۵ مقوله اصلی فرد (دارای مقولات فرعی روانی- رفتاری، ارزش‌ها و باورها، نگاه به خود)، جامعه (با مقولات فرعی احساس امنیت، برابری جنسیتی، احساس رضایت)، خانواده (دارای مقوله فرعی روابط خانوادگی)، سرمایه اجتماعی (با مقولات فرعی حذف محدودیت‌های اجتماعی (آزادی)، امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی) و سبک زندگی (با مقولات فرعی سرمایه زیستی و ثبات اقتصادی) به عنوان عوامل تاثیرگذار بر شادکامی زنان تبیین شدند و در دو بعد کیفیت زندگی ذهنی و کیفیت زندگی عینی دسته‌بندی شدند. به عقیده داس، کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد (۱۳). در بعد مفاهیم غیرمادی، کیفیت زندگی شامل تجارب و دریافت‌های شخصی افراد و

بازخوردهای آن‌ها در زندگی واقعی‌شان است (۱۱: ۱۵). پس کیفیت زندگی دارای دو بعد عینی و ذهنی است که بعد عینی آن به شرایط بیرونی و واقعی زندگی افراد، و بعد ذهنی آن به ارزیابی‌ها، طرز تلقی‌ها و رضایت افراد از شرایط زندگی خود می‌پردازد. در حقیقت می‌توان شادکامی را انطباق میان ذهنیت و واقعیت تعریف کرد.

در میان مقولات اصلی تحقیق حاضر، برابری جنسیتی، روابط خانوادگی (صمیمیت) و حذف محدودیت‌های اجتماعی (آزادی) به عنوان پر تکرارترین عوامل، تاثیر قابل توجهی بر شادکامی زنان داشته‌اند. در کشور ما ایران، همواره مسئله حذف موانع نابرابری جنسیتی برای رسیدن به برابری در همه حوزه‌ها برای زنان در مجامع علمی مطرح بوده است. نابرابری جنسیتی، مؤلفه بارز حیات اجتماعی انسان‌ها در طی قرن گذشته بوده و از نظر مفهومی عبارت است از توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان (۲۲). نابرابری جنسیتی یک ویژگی غالب در کشورهای در حال توسعه است که با اشکال مختلف به صورت نابرابری در درآمد، دستیابی به فرصت‌ها، آموزش، دسترسی به اشتغال رسمی، موقعیت‌های مدیریتی و سیاسی و بالاخره نابرابری در قدرت چانه‌زنی در درون خانواده ظاهر می‌شود (۳). غالب موارد بی‌عدالتی ناشی از تبعیض در آموزش، سلامت، نمایندگی سیاسی، بازار کار می‌باشد. تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع، منجر به تخصیص ناکارآی منابع و زیان‌های رفاهی می‌گردد. همچنین نابرابری جنسیتی در آموزش، با کاهش سرمایه انسانی، کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۳). مطابق گزارش بانک جهانی، افزایش مشارکت زنان در کار و تصمیم‌گیری، حکمرانی و فضای کسب و کار را بهبود می‌بخشد و در نتیجه بر رشد جوامع اثرگذار است (۴۶). بی‌تردید چگونگی نگرش و طرز تلقی نسبت به زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، تمامی کنش‌ها، فرآیندها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در سطح خرد، میانی و کلان تحت تاثیر قرار می‌دهد. نابرابری جنسیتی کماکان مانع بزرگی بر سر راه توسعه انسانی است (۳۵) و (۷). گرچه از سال ۱۹۹۰ در راستای عدالت جنسیتی گام‌های بزرگی برداشته شده است اما کماکان بی‌عدالتی در میزان‌های متفاوت در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. بر اساس گزارش صندوق توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ رتبه شاخص توسعه انسانی کشور ایران به صورت کل معادل ۷۰ و برای مردان ۸۱۹/۰ و برای زنان ۷۰۹/۰ می‌باشد. همچنین در همین سال ایران در شاخص نابرابری جنسیتی دارای رتبه ۱۱۳ بین ۱۸۹ کشور بود (۴۲). در کنار حذف موانع نابرابری جنسیتی، موضوع مهم دیگر حذف موانع اجتماعی (آزادی) زنان است. وجود برخی الگوهای رفتاری و کلیشه‌های فرهنگی نادرست درباره دختران و زنان میان خانواده‌های ایرانی باعث سلب آزادی و ایجاد محدودیت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان شده است در حالی که بارها توان‌مندی‌های زنان در عرصه‌های گوناگون ثابت شده است. از نگاه بسیاری جامعه‌شناسان، کنار گذاشتن باورهای نادرست درباره توان‌مندی‌ها و ظرفیت‌های جسمی و روانی زنان ایران در کنار افزایش آگاهی، خودباوری و توان‌افزایی این قشر مهم در جامعه، رفع محدودیت-

ها را در پی خواهد داشت. باید همه الگوهای فرهنگی نادرستی که منجر به محدودیت زنان شده است را کنار بگذاریم و بپذیریم که عصر کنونی، عصر شایسته‌سالاری و فرصت‌های برابر است. الگوهای فرهنگی باید به سمت ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه حرکت کند. باید این نگرش در جامعه نهادینه شود که انسان بودن مهم است، زن بودن یا مرد بودن اهمیتی نداشته و تنها استعدادها و توان‌مندی‌ها هستند که جایگاه و میزان قدرت افراد جامعه را تعیین می‌کنند. منظور از عدالت در این نگرش، آن است که انتظار داشته باشیم افراد بتوانند تشخیص دهند چگونه باید در بهترین موقعیت خود قرار بگیرند و این اولویت‌بندی انسان‌هاست که تعیین کننده است.

همان طور که گفته شد، برابری جنسیتی و آزادی نقش پررنگی در شادکامی زنان ایفا می‌کنند و کمیت و کیفیت روابط خانوادگی (به عنوان واسطه کیفیت زندگی ذهنی و کیفیت زندگی عینی)، با نقشی حمایت‌گرانه، فراهم کننده صمیمیت، دلگرمی، نقطه اتکا و امیدواری و در نهایت عاملی موثر بر شادکامی زنان است.

مطابق با نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، نیازها به ترتیبی که باید ارضا شوند، نیازهای جسمانی، ایمنی، عشق و محبت، احترام و در نهایت نیاز به خودشکوفایی هستند (۲۷). در مدل تحلیلی پژوهش حاضر، عوامل موثر بر شادکامی زنان را می‌توان با هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو تطبیق داد. آن چه به عنوان اولین نیاز در سلسله‌مراتب نیازهای مازلو نام برده می‌شود، نیازهای جسمانی است که در مدل تحلیلی حاضر، سرمایه زیستی است. در مدل تحلیلی عوامل موثر بر شادکامی زنان، کیفیت زندگی ذهنی قرار گرفته است که خودشکوفایی (اوج تمام نیازهای سطوح پایینی و میانی مازلو است) را به عنوان مقوله فرعی خود در بر می‌گیرد. به نظر مازلو، افراد در مرحله خودشکوفایی، یک حس شادی توأم با آرامش را تجربه می‌کنند. در بخش میانی عشق و محبت قرار دارد که در مدل تحلیلی در محور مدل قرار گرفته است و رابطه فرد با خود و جامعه را تنظیم می‌کند و تا حد زیادی تحت تأثیر امنیت اجتماعی و احساس امنیت قرار می‌گیرد.

سخن پایانی این که نتایج این فراترکیب، می‌تواند برای سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی کشور مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که گام برداشتن یک کشور در مسیر سعادت و پیشرفت بدون وجود زنان و مادرانی شاد، پر انرژی و با انگیزه غیر ممکن می‌نماید. بنابراین مسئولان باید دغدغه‌مند بهزیستی روانی زنان باشند و زمینه‌های گسترش شادکامی را برای آنان فراهم کنند. هم‌چنین به نظر می‌رسد با مطالعه پژوهش‌های خارجی پیرامون این موضوع بتوان الگوی کامل‌تری از عوامل موثر بر شادکامی زنان ارائه کرده و موضوع مطالعات تطبیقی بین عوامل موثر بر شادکامی زنان در ایران و خارج از کشور قرار گیرد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Aagaard, H & Hall, E. O. C. (2008). Mothers' experience of having a preterm infant in the neonatal care unit: A meta-synthesis. *Journal of Pediatric Nursing*, 23 (3), P.p: 26-36.
2. Abedini Beltrick, Mymant. (2020). Phenomenological study of happiness themes of female faculty members of Mazandaran University. *Journal of Women and Society*, 11 (42), P.p: 177-206.
3. Afshari, Zahra; Kakavand, Samira. (2016). The Effect of Gender Inequality on Growth, Productivity and Fertility in Iran. *Women's Social Psychological Studies*, 14 (2), P.p: 7-33.
4. AkhundFiz, Leila and Zokaei, Mohammad Saeed. (2016). The Evolution of the Meaning of Happiness in the Transition of Life: A Research Among Women in Kerman. *Welfare planning and social development*, 8 (29), P.p: 1-40.
5. Amir Mazaheri, Amir Masoud; Fakharian, Mina. (2016). The role of social capital in youth happiness (Case Study: Students of The Faculty of Psychology and Social Sciences of Tehran Center). *Sociological Studies*. 9 (33).
6. Argyle, M. (2003). *Psychology and religion: An introduction*. London: Routledge.
7. Azad Armaki, Taghi; Ghaffari, Gholamreza. (2002). Explaining generational attitudes toward women in Iranian society. *Women in Development and Politics*, 1 (3).
8. Azam Azadeh, Mansoureh; Taffeta, Maryam. (2015). Outcast sources, social exclusion and feelings of happiness of female-headed families. *Women in Development and Politics (Women's Research)*, 13 (3), P.p: 335-356.
9. Azam Azadeh, Mansoureh; Taffeta, Maryam. (2015). The narrative of female-headed households from the barriers to happiness (a case study of female-headed households in Tehran). *Women and Family Studies*, 3 (2), P.p: 33-60 .
10. Buss, D. M. (2000) The Evolution of Happiness. *American Psychologist*, 55, P.p: 15-23.
11. Dajian & Peter. (2006). World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development *Chinese Journal of Population, Resources and Environment*, 4 (1).
12. Daneshvari Nasab, Abdolhossein. (2021). Qualitative analysis of the limitations of women's social vitality in Kerman. *Health education and health promotion*. 9 (3), P.p: 311- 323.
13. Das, D. (2008). Urban Quality of life: A Case Study of Guwahati, *Social Indicators Research*, 88.
14. Diener, E. (2005). Frequently asked questions (FAQS) about subjective (happiness and life satisfaction). A primer for reporters and new comers.
15. Eisenck, Michael. (1999). *Psychology of Happiness*, Translation of Mohammad Firouzbakht and Khalil Beigi, Tehran: Badr.
16. Engendering development: through gender equality in rights, resources, and voice. p. cm.
17. Fallahian, Roya; Aghaie, Asghar; Neshatdoost, Hamid Taher. (2020). Developing a model of factors affecting the happiness of spouses of employees of Mobarakeh Steel Complex in Isfahan. *Positive Psychology Research Journal*, 6 (4), P.p: 45-62.
18. Habibpour, Karam; Safari, Reza. (2009). *Comprehensive guide to SPSS application in survey research (quantitative data analysis)*, Loya Publications, Thinkers, Tehran.

19. Helliwell, J. F.; Layard, R.; Sachs, J.; De Neve, J. M. (2020). World Happiness Report. New York: Sustainable Development Solutions Network. Available from: <https://worldhappiness.report/ed/2020/>
20. Helliwell, J. F. & Putnam, R. (2004). "The Social Context of Well-Being." Philosophical.
21. Helliwell, J. (2001). "Social Capital, The Economy and Well-Being", Review of Economic Performance and Social progress, Vol. 1.
22. Hemmati, Reza; Written, Maryam. (2013). Gender Inequality among Selected Countries in the Middle East: Emphasizing on Iran's Status. *Journal of Women*, 4 (8), P.p: 115-142.
23. Hezarjaribi, Jafar and Moradi, Sajjad. (2017). Citizens' understanding of meanings and definitions of happiness (qualitative research in Ilam province). *Welfare planning and social development*, 8 (33), P.p: 77-134.
24. Jadidi, Mohsen; Shamsaei, Mohammad Mehdi; Abdollahzadeh Bandeh Gharaei, Fatemeh and Azizi Aqilabadi, Azadeh. (2014). Qualitative study of causes and factors affecting youth's social happiness and despair. *Strategic Studies of Sports and Youth*, 13 (23), P.p: 1-20 .
25. Jouri, Behnoush; Mohammadi Moghadam, Yousef; Ghahremani Qajar, Susan; Hassan Moradi, Nargess. (2020). Developing and prioritizing organizational uplifting strategies for university women (considering the multiple roles of women). *Women and Family Studies*, 8 (2), P.p: 37-78.
26. Keshavarz, Amir; Molavi, Hassan and Kalantri, Mehrdad. (2008). The relationship between demographic and popular characteristics with happiness in the people of Isfahan, *Psychological Studies Magazine*, 4th round, 4.
27. Khodapanahi, Mohammad Karim. (2000). *Motivation and Excitement*, Tehran, Samt Publications.
28. Madadi, Haniyeh; Haghikhalian, Mansour and Mohammadi, Asghar. (2018). Analysis of meanings of happiness to provide happiness enhancement strategies (Case study: Middle City women). *Law enforcement and social research of women and families successive*, 2 (11), P.p: 236-252.
29. Mihalcea, R. & Liu, H. (2006). A Corpus-based Approach to Finding Happiness. *American Association for Artificial Intelligence*, 1-6.
30. Mirshah Jafari, Ibrahim; Abedi, Mohammad Reza and Darikvandi, Hedollah. (2002). Happiness and factors affecting it. *The latest in cognitive science*. 4 (3).
31. Mohammadi Rad, Mansour. (2012). Study of socioeconomic factors affecting happiness and its relationship with labor productivity, MSc thesis in Economic Sciences, Razi University of Kermanshah.
32. Naderi, Ahmad; Shahbazi, Mehdi; Akbari, Elham. (2014). Anthropological Analysis of Women's Sport: A Study on Sports Activities in Women's Parks in Tehran. *Anthropological Researches of Iran*, 4 (2), P.p: 51-68.
33. Najafi, Mohammad; Irfan, Arezo. (2012). Quantitative and qualitative study of the relationship between spirituality, happiness and professional empowerment of professors. *New Educational Approaches*, 7 (2), P.p: 1-22.
34. Paterson, B. L.; Thorne, S. E.; Canam, C & Jillings, C. (2001). *Meta-study of Qualitative Health Research: A Practical Guide of Meta-analysis and Meta-synthesis*, Thousand Oaks, CA: Sage.

35. Porjebli, Robabeh, and Awebati, Ruqayya. (2013). Factors affecting gender attitude among people of Zanjan city. *Iranian Social Sciences Studies*, 10 (36), P.p: 1-20.
36. Rastegar, Yasser; Ikhlesi, Ibrahim; Golshani Khojasteh, Leila. (2016). Visualization of feminine dignity and body management (Case study: Women referred to beauty centers in Bandar Abbas). *Gender and Family Studies*, 4 (1), P.p: 93-116.
37. Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2000). On Happiness and Human Potentials: A Review of Research on Hedonic and Eudaimonic Well Being *Annual Review of Psychology*, 52, P.p: 141-161.
38. Samani, Siamak; FouladCheng, Mahboobeh. (2005). *Adolescence Psychology*, Shiraz: Malek Soleiman Publications.
39. Sanago, Akram; Jouybari, Leila; Rezaian, Mahnaz; Jafari, Seyed Yaghoub; Hosseini, Seyed Ali. (2011). Explaining the experience of vitality in students of Golestan University of Medical Sciences, 8 (1), P.p: 1-10.
40. Sandelowski, M; Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*, New York: NY; Springer.
41. Stevenson, B. & Wolfers, J. (2009) The Paradox of Declining Female Happiness. *American Economic Journal*, 1, P.p: 190-225.
42. United Nations Development Programme. (2020). *Human Development Report*. Available from: <http://hdr.undp.org/en/composite/GII>.
43. Urquhart, Christine. (2011). Meta-synthesis of research on information seeking behavior, 16 (1). P: 455.
44. Verme, P. (2009). Happiness, Freedom and Control. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 71, P.p: 146-161.
45. Walsh, D. & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method of qualitative research: a literature review. *Journal of Advanced Nursing*, 50 (2), P.p: 204-211.
46. World Bank policy research report. 2001. Oxford University Press, Inc. Available from: <http://documents1.worldbank.org/curated/pt/512911468327401785/pdf/multipage.pdf>
47. World Economic Forum report on gender gap. (2017). International Director General of the Vice President for Women and Family Affairs.
48. Zimmer, L. (2006). *Qualitative meta-analysis: A Question of Dialoguing with Texts*, London: The Blackwell Publishing.